

خبر

واکنش به تروریست‌خواندن ملت ایران ظرفیت: ادعای حمایت از مردم ایران دروغ است

● دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در جدیدترین سخنانش گفته «برای مقابله با تهدید ایران احتیاجی به اعزام نیروی بیشتر به منطقه خاورمیانه نیست. قطعاً اگر نیاز باشد نیروی نظامی می‌فرستیم. در صورت لزوم، هر تعدادی که نیاز باشد نیرو به آنجا می‌فرستیم». او با یادکردن از ملت ایران به‌عنوان «ملت ترور» گفت این را تحمل نخواهیم کرد. او مدعی شد: من در بسیاری از نشست‌ها بوده‌ام که هر مشکلی در خاورمیانه و شاید فراتر از آن، از سوی ایران ایجاد شده است. رئیس‌جمهور آمریکا بدون ارائه جزئیاتی موثق، این ادعا را علیه ایران مطرح کرد که « ۱۴ حمله انجام شده که آنها پشت هر حمله بوده‌اند.

به گزارش ایسنا، مجید تخت‌روانچی، نماینده ایران در سازمان ملل، در واکنش به این اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا گفت: حرف‌های متناقض رئیس‌جمهور آمریکا درباره ایران، نشانه روشنی از خصومت بی‌حوصر او نسبت به ایران و ملت بزرگ ایران است. تخت‌روانچی خاطرنشان کرد: اصرار آقای ترامپ به استفاده از ادبیات توهین‌آمیز علیه ملت ایران، عزم مردم ما را در مقاومت علیه سیاست فشار و ارباب دوجناب می‌کند.

فقط برانزده خود اوست

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران نیز روز جمعه در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا به اظهارات ترامپ واکنش نشان داد. ظریف گفت: آقای ترامپ با اظهارات ثابت می‌کند که ادعای او و همکارانش برای حمایت از مردم ایران دروغی بیش نیست. او با یادآوری اینکه ترامپ چند روز قبل مدعی شده بود که پایان ایران خواهد بود، افزود: ایران شاهد پایان ترامپ خواهد بود، ولی او شاهد پایان ایران نخواهد بود. ظریف تأکید کرد: ایران هزاران سال بوده و خواهد بود و یک کشور تازه به دوران رسیده نمی‌تواند این‌طور درباره ایران صحبت کند و این نشان‌دهنده آن است که ترامپ حتی در ظاهرسازای که دیگران می‌کنند، نمی‌تواند آن را کاملاً ادامه دهد و آن نیت واقعی و درونی خود را درباره مردم ایران بروز می‌دهد. وزیر امور خارجه ایران افزود: ترامپ بارها مردم ایران را به لقی مانند تروریسم که فقط برانزده خود اوست، متهم کرده است. حرف ما درباره تروریسم شعار نیست، ترامپ علناً اعلام کرد علیه مردم ایران جنگ اقتصادی می‌کند و این یعنی ترور، یعنی تلاش برای تحمیل یک دیدگاه سیاسی از طریق فشار اقتصادی، از طریق جلوگیری از فروش غذا، دارو و مواد اولیه که برخلاف دستور دیون بین‌المللی دادگستری است و تمام این موارد شامل اقدامات تروریسم اقتصادی او علیه ملت ایران به شمار می‌رود. ظریف تأکید کرد: اگر کسی تروریست باشد، آن شخص خود ترامپ است که مرتکب تروریسم اقتصادی شده، درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران مانند همیشه در صف اول مبارزه با تروریسم در این منطقه بوده است. این تنش‌ها در حالی است که از ایالات متحده گزارش می‌شود، تنش بین کاخ سفید و پنتاگون بر سر اعزام نیرو به خاورمیانه بالا گرفته است. درحالی‌که هفته گذشته شایعه اعزام نیرو به منطقه خاورمیانه منتشر شد، ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و شاتاهان، سرپرست وزارت دفاع این کشور، این اطلاعات را نادرست خواندند. پاتریک شاتاهان قبل از سخنان ترامپ در جمع کشورزان گفته بود وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، در حال بررسی طرح اعزام نیروی بیشتر به خاورمیانه به‌عنوان یکی از راه‌های موجود برای محافظت از نیروهای آمریکایی در منطقه با توجه به تنش با ایران است. او گزارش‌های رسانه‌ها از اعزام پنج یا ۱۰ هزار نیرو را «نادارست» خواند و گفت: «اعزام نیروهای بیشتر، از جمله اقدامات در دست بررسی است.»

هم‌زمان اخباری مبنی بر اختلاف‌نظر وزیر خارجه آمریکا و مشاور امنیت ملی این کشور یعنی جان بولتون گزارش شده است. گفته می‌شود پمپئو و بولتون بر سر ایران اختلاف‌نظر جدی دارند. در ۱۰ روز گذشته بحث درباره اطلاعات مرتبط با ایران یک موضوع جدی در بین اعضای کنگره و کاخ سفید است. اعضای کنگره معتقدند اطلاعات مرتبط با تحرکات ایران در خلیج فارس دست‌کاری شده و غیرمستند است. از همین‌رو در جلسات مختلف تقاضای اطلاعات کرده‌اند.
باین‌حال وزارت امور خارجه آمریکا به درخواست رؤسای سه کمیته کنگره آمریکا مبنی بر ارائه توضیحات در مدتی معین درباره وجود اطلاعات انحرافی در گزارش ارائه‌شده علیه ایران، پاسخ نداد. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، رؤسای سه کمیته روابط خارجی، نیروهای مسلح و اطلاعاتی مجلس نمایندگان آمریکا، روز ۱۶ ماه می سال جاری از مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در خواست کرده بودند تا از وزارت امور خارجه توضیحات و اسنادی در ضرب‌الاجلی تعیین‌شده ارائه کند. این درخواست به مقاله‌ای از رویترز در تاریخ ۱۷ ماه می اشاره می‌کرد که در آن شرح داده شده بود چگونه گزارش سالانه دولت به کنگره درباره پیوندی جهانی به معاهده بین‌المللی کنترل تسلیحاتی موجب ایجاد اختلاف میان آژانس‌های اطلاعاتی و برخی مقامات وزارت امور خارجه شد. به گفته منابع مطلع، برخی مقامات نگران بوده‌اند که این سند به ارزیابی‌ها علیه ایران جنبه سیاسی بدهد و در آن انحراف ایجاد می‌کرد. در نامه ۱۶ می رؤسای این سه کمیته به مایک پمپئو، «به‌شدت ابراز نگرانی کرده بودند» که گزارش کنترل تسلیحاتی ممکن بوده است از سوی مخالفان سیاسی «بدون اعتنا به اطلاعات یا انحراف در مفهوم آن» ارائه شده باشد.

جنبش دوم خرداد در برزخ قدیم و جدید

شعار «اصلاحات مرد، زنده باد اصلاحات» دیر هنگام بود

شرق: جنبش دوم خرداد سال ۷۶ با گفتمان توسعه سیاسی و فرهنگی پا به میدان گذاشت تا بتواند فضای سیاسی و اجتماعی کشور را دستخوش تحولی بزرگ قرار دهد. اگرچه بخش مهمی از خواست و اراده مردم در تغییر شرایط موجود، برگرفته از نفی وضعیت سیاسی و فرهنگی دوران هاشمی‌رفسنجانی بود، اما اجماع بزرگ تحول‌خواهی در ابعاد ملی شکل گرفت که از یک سو خواهان نوعی استحاله بود و از سوی دیگر مرزهای خود را مشخص کرده بود. هنگامی که این مطالبه با تفکرات سیدمحمد خاتمی به‌عنوان برگزیده مردم همراه شد، توانست نخستین دغدغه کشور در آن برهه را توسعه سیاسی معرفی کند؛ امری که تا پیش از دوم خرداد سال ۷۶ در انزوا بود و با تفکرات هاشمی، توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی غلبه داشت.

سعید مدنی، پژوهشگر مسائل اجتماعی ایران، باور دارد توسعه سیاسی در دوران اصلاحات به نقطه امنی نرسید. او در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «برخی توسعه سیاسی را سازوکارهای دموکراتیک برای کسب قدرت و رشد جامعه مدنی می‌دانند و برخی دیگر توسعه سیاسی را با تقویت حوزه عمومی مرتبط می‌دانند. در دیدگاه اخیر، افراد فارغ از تفاوت‌ها در حوزه عمومی، درباره مسائل مهم ازجمله سیاست گفت‌وگو می‌کنند و از این‌ راه مطالبات و نظرات خود را به هرم قدرت انتقال می‌دهند. نکته دیگر آنکه مفهوم توسعه سیاسی به کل جامعه و ساختار کشور مربوط می‌شود و لزوماً به روابط و سازوکارهای سیاسی محدود نیست؛ بنابراین توسعه سیاسی باید بر اقتصاد، اجتماع و فرهنگ نیز اثرات مشخص داشته باشد. علاوه بر این، توسعه سیاسی زمانی رخ می‌دهد که جامعه و نهادهای مدنی شکل گرفته باشند و بتوانند بر شرایط اثرگذار باشند. توسعه سیاسی به دلیل جامعیت، چندبعدی و کیفی بودن در بالاترین سطح از تغییر اجتماعی قرار دارد، یعنی انتظار می‌رود با توسعه سیاسی، تحولات عمیقی رخ بدهد. موضوع مهم دیگر، ارتباط بحران و توسعه سیاسی است. هرقدر بحران اجتماعی، سیاسی، هویتی و… بیشتر گسترش یابد، ضرورت توسعه سیاسی بیشتر احساس می‌شود. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود انتخابات به نحو آزادانه‌ای برگزار یا از میزان زور و اجبار دولتی کاسته شود.»

جایگاه توسعه سیاسی در دوم خرداد

مدنی درباره توسعه سیاسی و دوم خرداد اظهار کرد: «با چنین مقدمه‌ای می‌توانیم برای تبیین جایگاه توسعه سیاسی در دوم خرداد به این سؤال پاسخ دهیم که شرایط عینی و ذهنی که به دوم خرداد منجر شد، چه بود؟ برخی باور دارند دوم خرداد محصول ذهنیت گروهی از نخبگان بود. آنها تأکید می‌کنند گروهی از نخبگان اصلاح‌طلب پس از مطالعه در یک مؤسسه تحقیقاتی وابسته به ریاست‌جمهوری دریافتند توسعه سیاسی ضرورتی انکارناپذیر برای جامعه ایران است و پس از آن با تلاش آنها جنبش اصلاحات محقق شد. به یاد داریم که در سال ۱۳۶۹ تعدادی از فعالان ملی و ملی‌مذهبی به مرحوم هاشمی‌نامه‌ای نوشتند و ضرورت اصلاحات را یادآور شدند، اما این ایده آنان منجر به تغییر نشد و در نهایت تعدادی از آنها راهی زندان شدند و توسعه اقتدارگرای هاشمی کار خودش را پیش برد. منظور این است که فقط تصمیم و تغییر ذهنیت در نخبگان به تغییر منجر نمی‌شود؛ اگرچه مطمئناً بدون وجود شرایط مناسب ذهنی جامعه و نه لزوماً نخبگان، حمایت عمومی از تغییر ممکن نیست. در سال ۱۳۷۶ جامعه ایران پس از ۲۰ سال تجربه تحولات پس از انقلاب، به تجدید نظر در نگاه به مسائل مهمی مثل دولت، قدرت، روحانیت و تغییر پرداخت. برای همین به لحاظ ذهنی آماده پذیرش دعوت به تغییر بود. از زاویه‌ای دیگر، وقوع دوم خرداد محصول شرایط ذهنی نیز بود؛ نتایج هشت سال ریاست‌جمهوری هاشمی و مسائلی مانند سهم بالای جمعیت جوان از کل جمعیت، افزایش تعداد دانشجویان و افزایش نابرابری، تمایل به تغییر را تقویت کرده بود. همین عوامل دست‌به‌دست هم دادند تا جنبش دوم خرداد شکل بگیرد. به نظر من شرایط عینی و ذهنی هر دو زمینه‌ساز دوم خرداد و تمایل عمومی به توسعه سیاسی بود.»

ضعف‌های سه‌گانه اصلاحات

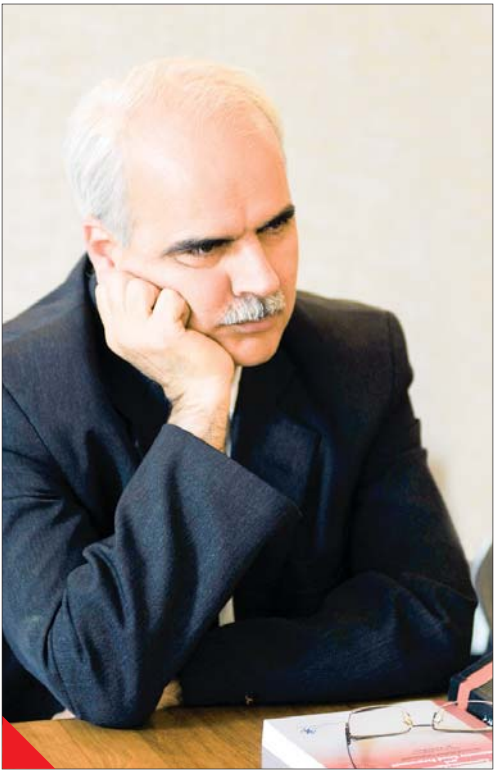
مدنی افزود: «اصلاح‌طلبان درک عمیقی از این زمینه‌های ذهنی و عینی تغییر نداشتند. به همین دلیل در عین حال که متولی جنبش اصلاحات بودند، اما سه ضعف‌ماینج از آن شد تا جنبش اصلاحات برای توسعه سیاسی را پیش ببرند: نخست آنکه اصلاح‌طلبان جمع‌بندی نظری منسجمی درباره توسعه سیاسی نداشتند. اصلاح‌طلبان اهمیت لازم را به حوزه عمومی و جامعه مدنی نمی‌دادند و تبیین روشنی از پروژه توسعه سیاسی و حوزه عمومی نداشتند. همواره میان آنها این اختلاف‌نظر وجود داشت که جامعه مدنی و حوزه عمومی تهدید است یا فرصت. تصور بخشی از اصلاح‌طلبان از توسعه سیاسی، فراهم‌کردن شرایط برای بازگشت به قدرت از دست‌رفته بود. برای بسیاری از آنها مشخص نبود چه چیزی باید اصلاح شود. به همین دلیل آنها تحلیل عمیقی از جنبش اصلاحات نداشتند. ضعف مهم دیگر جریان اصلاحات در استراتژی بود؛ این جریان همواره از توضیح سازوکارهای تحقق توسعه سیاسی قاصر بود؛ گویی نمی‌دانستند از چه مسیری باید به توسعه سیاسی دست یافت. اصلاح‌طلبان همواره تصور می‌کردند تمام تغییرات از مسیر انتخابات

سیاست

گفت‌وگو با سعید مدنی

جنبش دوم خرداد در برزخ قدیم و جدید

شعار «اصلاحات مرد، زنده باد اصلاحات» دیر هنگام بود



عکس: آرژانتین رهبر

اهمیت توسعه سیاسی در نگاه رئیس دولت اصلاحات



محمدعلی ابتهجی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

دوم خرداد با انتخاب یک رئیس‌جمهور رخ داد. پیش از آن در طول تاریخ هیچ‌گاه از طریق یک امر انتخابی چنین جریان بزرگی به راه نیفتاده بود و از این حیث رخداد دوم خرداد سال ۷۶ در تاریخ ماندگار است. من دوم خرداد را یک مکتب مدنی می‌دانم که مردم توانستند بر اسب قدرت سوار شوند. مردم در مقطع سال ۷۶ احساس می‌کردند که باید تغییری را ایجاد کنند. مردم از ابتدای انقلاب درگیر جنگ بودند و سپس دوران سازندگی. آقای هاشمی برای پیشبرد توسعه سیاسی به توسعه سیاسی توجهی نداشت و برای او آزادی‌های اجتماعی در حاشیه قرار داشت. طبیعی بود که این فشار نهفته در جامعه بروز کند و مردم در پی آزادی باشند و توانستند با دوم خرداد سال ۷۶ به یک دولت مردم‌محور دست یابند. من به یاد دارم آقای خاتمی در نخستین سخنرانی خود پس از انتخابات ریاست‌جمهوری درباره جامعه مدنی سخن گفت و اینکه مردم چگونه می‌توانند محور امور باشند. پس از آن سخنرانی، جمعی از نزدیکان آقای هاشمی و اعضای کارگزاران خدمت آقای خاتمی رفتند و به‌شدت به ایشان انتقاد کردند که توسعه سیاسی مقدم نیست و باید به توسعه اقتصادی پرداخت.

می‌گذرد. اگر مواضع آنها را در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ بازخوانی کنید، درمی‌یابید که ایشان تحقق هر تغییری را فقط در گرو تغییر در قوای اجرا و تقنین می‌دیدند و اهمیت حضور بدنه اجتماعی را نادیده می‌گرفتند. همه این عوامل، همان‌طور که گفتم، باعث شد آنها در مسیر تحقق اهداف اصلاحات به چپ و راست بپیچند. پیشبرد توسعه سیاسی هیچ مکانیسم مشخصی نداشت؛ این سردرگمی آثار منفی بسیار به جا گذاشت. ضعف سوم سازمان و تشکیلات بود. برای اصلاح‌طلبان مشخص نبود که برای پیشبرد توسعه سیاسی باید چه‌طور داشت یا حزب؟ آنها نمی‌دانستند چگونه بدنه اجتماعی را برای پیشبرد اصلاحات بسیج کنند. روشن نبود چگونه باید بدنه اجتماعی را شکل بدهند. فعالان اصلاح‌طلب یا سابقه‌چدی سیاسی -غیر از حضور در نظام حاکم- نداشتند، یا اگر پیش از انقلاب فعالیت سیاسی داشتند، اغلب این تجربه را در سازمانی عمودی به دست آورده بودند. در نتیجه تصور می‌کردند با یک جمع متشکل از نخبگان می‌توانند جنبش اصلاحات را سازمان دهند و فعالیت سازمانی داشته باشند. این ضعف‌ها موجب شد که در پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای خاتمی همچنان هیچ روش روشنی برای تداوم توسعه سیاسی وجود نداشته باشد؛ چنین شرایطی باعث شد که آرام‌آرام بدنه اجتماعی از جریان اصلاحات فاصله بگیرد. شاید مهم‌ترین شاهد آن همراهی نکردن بدنه اجتماعی با حرکت رادیکال تحصن نمایندگان در اعتراض به رخصلاحت‌های نامزد‌های انتخابات مجلس هفتم بود.»

مدنی در پاسخ به این پرسش که آیا چنین سیاست‌هایی باعث شد سرمایه اجتماعی جریان اصلاحات کاهش پیدا کند، گفت: «از اواسط دهه ۷۰ شرایط ذهنی و عینی برای تغییر مهیا شد. پیش‌نیاز این تغییر نیروی اجتماعی بود که باید در قالب سازمان‌های سیاسی شکل می‌گرفت. اگر چنین می‌شد، اعتماد عمومی ادامه می‌کرد که نشد و همان‌طور که گفتم وقتی دولت هشتم به پایان رسید، آن سرمایه اجتماعی بسیار افت کرده بود.»

شکست اصلاحات در تحقق توسعه سیاسی

مدنی ادامه داد: «برخی توسعه سیاسی را یک مفهوم کیفی و برخی دیگر کمی می‌دانند. برخی حتی تلاش کرده‌اند که با شاخص‌هایی مفاهیم کیفی مرتبط با توسعه سیاسی را اندازه‌گیری کنند؛ مثلاً با اندازه‌گیری الگوهای جامعه‌پذیری، میزان تقاضا برای شکل‌گیری احزاب یا دادوستد نیروهای سیاسی با یکدیگر توسعه سیاسی را اندازه می‌گیرند. برخی هم گفته‌اند که آرامش در اقتصاد و سیاست و تقسیم‌کار اجتماعی معیار توسعه سیاسی است. وقتی به سال ۱۳۸۴ نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که هیچ‌یک از این معیارها تغییر جدی نداشتند. البته دستورادهای دولت‌های آقای خاتمی را انکار نمی‌کنیم؛ مثلاً شکل‌گیری شوراها دستوراد مهمی بود؛ اگرچه ناقص اجرا شد. به‌رحال در سال ۱۳۸۴ اگر به دانشگاه‌ها سر می‌زدیم و اگر با فعالان سیاسی و اجتماعی سخن می‌گفتم، متوجه می‌شدیم که بازتولید گفتمان دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ امکان‌ناپذیر نیست. برداشت غالب این بود که توسعه سیاسی دولت خاتمی با شکست مواجه شده است. توسعه سیاسی در دولت‌های هفتم و هشتم به مجموعه شعارهای سیاسی نخبگان تقلیل یافت و تأثیر آن بر اقتصاد هم قابل‌توجه نبود. رویکرد اصلاحات نیز به‌جای دموکراتیزه‌کردن جامعه و دولت دربی لیبرالیزه‌کردن آن رفت. مدتی پیش آقای حجازیان گفت که اصلاحات مرد، زنده باد اصلاحات. ایشان قدری در این جمع‌بندی را مطرح کردند. این سخن باید در سال ۱۳۸۴ گفته می‌شد. اصلاح‌طلبان باید به‌سرعت به این نتیجه می‌رسیدند که اشتباهات بسیاری در دوران اصلاحات رخ داد. عجب است که حالا و با وجود چنین قاطعیت ضعف جدی از آن دوره برخی شعار بازگشت به قبل از سال ۱۳۸۸ را مطرح می‌کنند. این ایده‌ای کاملاً ارتجاعی و نادرست است. اتفاقاً به نظر من تحولات و رویدادهای سال ۱۳۸۸ به داد اصلاح‌طلبان رسید و آنها را از زیر بار مصیبت بحران نظری، استراتژی و سازمانی خارج کرد. اعتراضات سال ۱۳۸۸ گشایش هویتی برای اصلاح‌طلبان ایجاد کرد و هویت آنها را بازسازی کرد.»

تفاوت توسعه سیاسی ۷۶ با ۹۸

او در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی‌بر اینکه آیا مطالبه توسعه سیاسی از دوم خرداد ۱۳۷۶ تا به امروز در میان طبقه متوسط تفاوتی داشته یا نه، گفت: «بیشترین تفاوت گفتمان امروز با سال ۱۳۷۶ این است که اکنون تلاش برای توسعه سیاسی از پایین به بالا جریان دارد. جنبش‌های اصلاحی متکی به بدنه اجتماعی هستند. جنبش دوم خرداد در دوگانه قدیم و جدید قرار داشت، یعنی اصلاح‌طلبان از یک‌سو به چارچوب‌های سنتی و قدیمی پایبند بودند و تلاش نداشتند جنبش اصلاحی را در چارچوب جنبش‌های اجتماعی قدیم پیش ببرند، اما از سوی دیگر جامعه مدنی و به‌ویژه جنبش جوانان سعی می‌کرد روند را تغییر دهد و از الگوی جنبش‌های اجتماعی جدید، از جمله جنبش سبک زندگی پیروی کند. با مشاهده عکس‌ها و فیلم‌های موجود از آن دوران می‌توان دریافت که گرایش به سبک زندگی چقدر نفوذ داشت. اصلاح‌طلبان بعد از دولت آقای خاتمی نتوانستند خودشان را جمع‌وجور کنند؛ درحالی‌که جنبش جوانان، جنبش معلمان، جنبش دانشجویی و جنبش زنان راه خود را رفتند. اصلاح‌طلبان سال ۸۸ متغلقانه گفتمان سبزها را پذیرفتند و البته همان‌طور که گفتم، از آن در جهت بازسازی‌شان نزد افکار عمومی بهره‌مند شدند و البته هزینه‌هایی نیز دادند. جنبش جوانان پیش از ۸۸ باور داشت که باید گفتمان جدیدی وارد حوزه عمومی و جامعه مدنی شود. بنابراین در چارچوب الگوی جنبش‌های اجتماعی جدید بر استقلال، خودابرازی و سبک زندگی تأکید می‌کند و توسعه سیاسی را نه به معنای خاص سیاسی آن، بلکه در تمام ابعاد، اعم از اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مطالبه می‌کند. جنبش‌های جدید دغدغه‌هایی از جنس محیط‌زیست و رفع خشنود دارند، چند موضوعاتی در دوران اصلاحات چندان مطرح نبود. جنبش‌های قدیم سعی می‌کردند که به‌سرعت خود نهادهایی کنند، در صورتی که جنبش‌های جدید به دنبال نهاده‌ب‌شدن در ساختار قدرت نبودند؛ بلکه به دنبال تثبیت هویت بودند. آنچه امروز در دانشگاه می‌بینیم جنبش اجتماعی جدید است. جوانان در مقطع کنونی خواست محدود را با انرژی نامحدود دنبال می‌کنند. البته باز هم می‌گویم جنبش اصلاحات لزوماً در زمره جنبش‌های اجتماعی قدیمی نبود، به‌نحوی‌که اصلاح‌طلبان تصور می‌کردند- و اتفاقاً نهادهای مدنی سعی می‌کردند آن را قالب جنبش‌های اجتماعی جدید بازتولید کنند.»

آنچه از پس بازخوانی توسعه سیاسی در دوران اصلاحات و نسبت آن با روزگار کنونی می‌توان به دست آورد این است که توسعه سیاسی اصلاحات گرچه در بستر زمان همواره ادامه داشت، اما به دلایل عدیده، از جمله تغییر گفتمان جنبش‌های جدید اجتماعی، پیگیری توسعه سیاسی شکل دیگری به خود گرفته است.

ادامه از صفحه ۶		
تایح غیرمثبت عملیات نام آن را تغییر داده و کربلای ۴ نامیدیم. در این عملیات قرار بود زنگ پایان جنگ به صدا درآید. ● از اول فروردین ۶۵ سران سه قوه در خطبه‌های نماز جمعه خبر از سال‌سرنوشت جنگ می‌دهند؛ یعنی مردم آحادگی ذهنی داشته باشند که امسال جنگ تمام خواهد شد. به‌این‌ترتیب ۲۴۰ گردان بسیجی در عملیات کربلای ۴ آمده است که جنگ را تمام کند؛ اما ماجرای لورفتن سفر مگر فارلین صحنه معادلات را عوض می‌کند. ● عراقی‌ها هم که ما را شکست داده بودند و به نظرشان کار ما تمام شده بود، گفتند که برویم جشن بگیریم. دو روز دیگر فاو را هم پس خواهیم گرفت. این فریبه که دشمن از غرور خود خورد، همه مسئله نبود. قریب دشمن ابعاد دیگری هم داشت که منجر به پیروزی بزرگ کربلای ۵ شد و قطع‌نامه ۵۹۸ را در پی آورد.	بودند. ما نباید فراموش کنیم؛ کسی که در نقطه ثقل عملیات نشسته و در رأس هرم تصمیم‌گیری نشسته، اجازه ندارد که خود را متزلزل نشان دهد و تا زمانی که به قطعیت نرسیده، نمی‌تواند تصمیمی اتخاذ کند یا تصمیمی را ملغا کند. ● شاید برایتان جالب باشد اگر بگویم که اسم اصلی کربلای ۴ این بوده، اسم این عملیات را والفجر ۱۰ گذاشته بودند. والفجر ۱۰ یک بار مفهومی داشته، همچنان که آخرین نبرد سال ۱۳۶۶ یعنی آزادی حلبچه را والفجر ۱۰ نام‌گذاری کردیم. نام والفجر ۱۰ دارای یک پیام ذاتی داخلی و بین‌المللی بود. اعلام عملیات والفجر ۱۰ به معنای اعلام زمان آمادگی ایران برای پایان جنگ بود. قرار بود در عملیات مزبور جنوب شرقی بصره را تصرف کرده و با اعلام تمام والفجر ۱۰، به گونه‌ای آمادگی خود را برای پایان‌بخشیدن به جنگ اعلام عمومی کرده باشیم؛ اما وقتی عملیات شکست خورد، به خاطر	ثانی زمان به‌قطعیت‌رسیدن هم خیلی مهم است. اگر فرماندهی قبل از آغاز عملیات به قطعیت برسد که عملیات او رفته، مسلماً دست به چنین عملیاتی نمی‌زند؛ اما هنگامی که نیروها حرکت کرده‌اند، به‌ویژه وقتی مثل والفجر ۸ و کربلای ۴ که نیروهای موج اول وسط آب هستند که نمی‌شود با فرض شواهد لورفتن، تصمیم به بازگشت نیروها گرفت. ضمن اینکه اخبار به‌دست‌آمده از وضع میدان نبرد که یکسان نبوده، در برخی محورها عملیات به موفقیت در حال انجام بوده و تنها در یک محور که از قضا همان اصلی‌ترین محور بوده، خبرها بر هوشیاری دشمن دلالت داشت. شاید مطلع نباشید که مهم‌ترین سرپلی که باید در محور اصلی تصرف می‌شد، تصرف ساحل جزیره بلجانیه بوده است و از قضا غواصان لشکر ۱۴ امام حسین که باید از تنگه اصلی عملیات عبور کرده و در بلجانیه از آب خارج می‌شدند، موفق بوده و به بلجانیه دست یافته

عملیات کربلای ۴ قرار بود زنگ پایان جنگ باشد

کوتاه دیپلماسی

استقبال آمریکا از سفر یک مقام آلمانی

● ایسنا: روز پنجشنبه معاون وزیر خارجه آلمان به تهران سفر و با عباس عراقچی و حسین امیرعبدالهیان، معاون سیاسی وزیر خارجه و معاون امور بین‌الملل مجلس شورای اسلامی ملاقات کرد. عراقچی در این ملاقات با تأکید بر پایان خویشتن‌داری جمهوری اسلامی ایران، تعهدات کشورهای باقی‌مانده در برجام پس از خروج آمریکا از این توافق را یادآوری و بر ضرورت اجرای این تعهدات بر اساس چهار بیانیه کمیسیون مشترک برجام تأکید کرد. در این دیدار همچنین پلوتر بر ادامه تعهد کشورش به برجام تأکید کرد و گفت: کشورهای اروپایی به تلاش‌ها و مشورت‌های خود برای تأمین خواسته‌های ایران و حفظ برجام ادامه خواهند داد. در این راستا، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با توجه به سفر اخیر دو مقام آلمانی و عمانی به ایران، از این اقدام دیپلماتیک برای آنچه «تنش‌زدایی وضعیت موجود» می‌خواند، استقبال کرد. به نقل از روزنامه اکسپرس تیویون، آمریکا بر خلاف تمام تلاش‌های این کشور برای آنچه «به انزواکشیدن ایران» عنوان شده است، از اقدام وزیر امور خارجه عمان و مدیر کل سیاسی وزارت امور خارجه آلمان استقبال کرد. مسوگان اورتاگوس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، در این‌باره به جمعی از خبرنگاران در واشنگتن گفت: از نظر ما این رفتاری عادی میان دو کشور است. ما همچنین از هر گونه تلاش آلمانی‌ها برای کمک به تنش‌زدایی از این وضعیت، قدردانی می‌کنیم.

یوسف بن علوی، وزیر امور خارجه عمان، نیز در ارتباط با سفر ناگهانی روز دوشنبه‌اش به تهران و دیدارش با محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، در فرودگاه مهرآباد در مصاحبه‌ای با بیان اینکه آن‌طور که فکر می‌کنید ما نقش میانجی بین کشور ایران و آمریکا نداریم، اظهار کرد: ما از وضعیت فعلی به‌شدت نگران هستیم و فکر می‌کنیم با کمک دیگران می‌توانیم تنش فعلی در منطقه را مهار کنیم. در عین حال فکر می‌کنیم دو طرف یعنی ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها هر دوی آنها با دوست‌ناشان متوجه شده‌اند. تنش فعلی ممکن است به فاجعه منجر شود و البته شاید هم به توافق ختم شود. این دیپلمات عالی‌رتبه عمانی در ادامه صحبت‌های خود با بی‌بی‌سی، گفت: من نگران اشتباهات معمولی آنها نیستم. نگران اشتباهاتی هستم که ممکن است کل منطقه را شعله‌ور کند. در سفر به تهران دیدم از نظر آنها تحریم‌های آمریکا یکی دلیل و بی‌منطق است. ایرانی‌ها آماده‌اند که درباره سیاست خارجی‌شان گفت‌وگو کنند اما در شرایطی متفاوت و نه زیر فشار.

دیدار ظریف با سناتور آمریکایی

● ایرنا: سخنگوی نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در پاسخ به خبرهای مربوط به دیدار وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با سناتور آمریکایی، گفت: «این جلسه طبق روال قبلی که با اعضای کنگره داشتیم، انجام شده است». اظهارنظر علیرضا میرویسفی به دنبال انتشار مطلبی در تارنمای پولیتکو است که از دیدار دیانا فاینشتین، سناتور دموکرات عضو ارشد کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا، با محمدجواد ظریف خبر داده بود. هفته گذشته همین رسانه اعلام کرد در صفحه تلغن همراه فاینشتین که در راهروهای کنگره تردد می‌کرده است، شماره تماس ظریف دیده شده است. این خبر می‌گوید این دیدار در سفر اخیر ظریف وارد خانه بود. ظریف در این سفر با مقامات عراقی درباره تحولات منطقه و روابط دوجانبه گفت‌وگو کند. هنوز منابع رسمی دو کشور در این‌باره اظهارنظر نکرده‌اند.

شنبه سفر به بغداد

● ایرنا: خبرگزاری الفرات عراق به نقل از یک منبع مطلع، از سفر روز شنبه محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، به بغداد خبر داد. خبرگزاری نزدیک به جریان حکمت ملی به جزئیات بیشتر اشاره نکرد اما افزود ظریف قرار است در این سفر با مقامات عراقی درباره تحولات منطقه و روابط دوجانبه گفت‌وگو کند. هنوز منابع رسمی دو کشور در این‌باره اظهارنظر نکرده‌اند.

دیدارهای ظریف در پاکستان

● ایرنا: «محمدجواد ظریف»، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، روز جمعه و در سومین دیدار کاری خود در سفر به اسلام‌آباد با «عمران خان»، نخست‌وزیر پاکستان، دیدار و گفت‌وگو کرد. ظریف بعد از ظهر روز جمعه با عمران‌خان درباره موضوعات منطقه‌ای و دوجانبه رایزنی کرد. دو طرف در این دیدار که به علت سفر عمران‌خان به کراچی در محل پایگاه هوایی انجام شد، ارتقای سطح همکاری‌ها میان ایران و پاکستان و تلاش برای رفع موانع در مسیر توسعه روابط را مهم برشمردند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران و نخست‌وزیر پاکستان همچنین روابط دو کشور دوست و همسایه را خوب ارزیابی و بر ارتقای سطح همکاری‌ها تأکید کردند. این سومین سفر ظریف به پاکستان از زمان آغاز دولت فعلی این کشور است. ظریف در این سفر با فرمانده ارتش و هم‌تای پاکستانی خود نیز دیدار و گفت‌وگو کرد.